



Quranic Strategies for Social Living and Preserving the Identity of Muslim Minorities

Davood Rahimi Sajasi^{1✉}, Seyyed Morteza Saheb Fosoul^{2✉}

1. Assistant Professor of Culture and Communication and a Faculty Member at Shahed University, Mashhad, Iran. Email: d.rahimi@shahed.ac.ir
2. Corresponding author, PhD in Quran and Social Sciences at Al-Mustafa International University, Mashhad, Iran. Email: a11saheb.sm@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 23
February 2024
Accepted: 11
January 2025

Keywords:

Quranic Social
Theory, Identity,
Society-Building,
Minorities.



ABSTRACT

The issue of mutual influences between minorities and host societies from an identity perspective has become one of today's social challenges, especially in immigrant-receiving countries. The general policy of these countries is based on "culturally assimilating" minorities, which ultimately leads to the dissolution of their distinct identity aspects into the dominant identity of the societies in question. This research examines the Quranic strategies for identity formation and social living of Muslim minorities residing in non-Muslim societies. The study employs the thematic interpretation (Istintāq) research design of Martyr Sayyed Muḥammad Bāqir al-Ṣadr, which aims to uncover aspects of the Quranic thought system that, while not directly indicated by individual words or phrases in the text, are inherent in its foundation, essence, and overall content. The extraction of relevant Quranic data, obtaining answers from the Quran, and deriving implications from these answers are considered essential components in the istintāq of the Quran. To ensure a systematic implementation of the research process, the thematic framework analysis method was utilized. The Quranic text was consulted as the primary research source, relevant verses were extracted, and the resulting data was organized into a set of themes to support the derivation of Quranic theory. The present study identified a process comprising 9 steps across 2 stages. In the first stage, these steps build a distinct social identity among Muslims by increasing their self-confidence. In the second stage, the resulting social identity is guided towards interaction, expansion, and inclusivity.

Cite this article: Rahimi Sajasi, D.; Saheb Fosoul, S., M. (2024). Quranic Strategies for Social Living and Preserving the Identity of Muslim Minorities. *Islamic Social Studies*, 30 (130) , 59-86. <https://doi.org/10.30513/iss.2025.5889.1339>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



راهکارهای قرآنی زیست اجتماعی و حفظ هویت اقلیت مسلمان

داوود رحیمی سجاسی^۱ | سید مرتضی صاحب فصول^۲

۱. استادیار فرهنگ و ارتباطات و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد. ایران. رایانامه: d.rahimi@shahed.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دکتری قرآن و علوم اجتماعی، جامعة المصطفی (ص) العالمیه، ایران. رایانامه:

alIsaheb.sm@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	موضوع تأثیرات متقابل اقلیت‌ها و جوامع میزبان از منظر هویتی به یکی از مسائل اجتماعی امروز جهان به خصوص در ممالک مهاجرپذیر تبدیل شده است. سیاست کلی ممالک مهاجرپذیر بر «فرهنگ‌پذیر نمودن» اقلیت‌ها استوار است که در نهایت منجر به استحاله و جوه هویتی ناهم‌سوی آن اقلیت‌ها در هویت حاکم بر جوامع مورد بحث می‌گردد. پژوهش پیش رو به بررسی راهبردهای قرآن کریم برای هویت‌یابی و زیست اجتماعی اقلیت‌های مسلمان ساکن در جوامع غیر مسلمان می‌پردازد. برای انجام پژوهش حاضر از طرح تحقیق تفسیر موضوعی (استنتاج) شهید سید محمدباقر صدر استفاده شد که به کشف اجزایی از نظام اندیشه قرآنی می‌پردازد که اگر چه لفظ یا عبارتی در متن به تنهایی به آن رهنمون نمی‌شود، اما در مبنا و اساس و کلیت متن مندرج است. استخراج داده‌های قرآنی مرتبط، و نیز دریافت پاسخ از قرآن و دست‌یابی به مدلول‌های حاصل از این پاسخ‌ها اجزائی اساسی در استنتاج قرآن شمرده شده است. به منظور حصول اطمینان از اجرای نظام‌مند فرایند تحقیق از روش تحلیل قالب مضامین کمک گرفته شده است. یعنی متن قرآن به‌عنوان منبع اولیه پژوهش مورد رجوع قرار گرفته و آیات مرتبط با موضوع استخراج و در نهایت داده‌های حاصل در قالب مجموعه‌ای از مضامین، سازمان‌دهی و جهت استخراج نظریه قرآنی مورد استناد قرار گرفته است. در پژوهش حاضر یک فرایند شامل ۹ گام در طی ۲ مرحله موردشناسایی قرار گرفت. این گام‌ها در مرحله نخست با افزایش اعتماد به نفس در میان آحاد مسلمانان، از آنان هویت اجتماعی متمایزی می‌سازد و در مرحله دوم، هویت اجتماعی حاصله را به سوی تعامل، گسترش و فراگیری رهنمون می‌گردد.



استناد: رحیمی سجاسی، داوود؛ صاحب فصول، سید مرتضی. (۱۴۰۳). راهکارهای قرآنی زیست اجتماعی و حفظ هویت

اقلیت مسلمان. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۰ (۱۳۰)، ۵۹-۸۶.

<https://doi.org/10.30513/iss.2025.5889.1339>

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.



© نویسنده‌گان.

مقدمه

۱. بیان مسئله

موضوع تأثیرات متقابل اقلیت‌ها و جوامع میزبان از منظر هویتی به یکی از مسائل اجتماعی امروز جهان به خصوص در ممالک مهاجرپذیر تبدیل شده است. قرآن کریم که کتاب هدایت بشر است نیز این مسئله انسانی را از نظر دور نداشته و از زوایای مختلف، از جمله زیست اقلیت‌های مسلمان در جوامع غیر اسلامی و نیز زیست اقلیت‌های غیر مسلمان در قلمرو حکومت اسلامی، به این موضوع ورود نموده است. پژوهش پیش رو به بررسی نظر قرآن کریم پیرامون شرایط زیست اجتماعی یک اقلیت مسلمان مقیم در یک جامعه غیر مسلمان می‌پردازد.^۱ به بیان دیگر، مسئله تحقیق حاضر به این شکل قابل پرسش است: قرآن کریم چه راهبردهایی را برای هویت‌یابی اجتماعی پیش روی اقلیت‌های مسلمان ساکن در جوامع غیر مسلمان قرار داده است؟

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

بحث هویت و هویت‌یابی و ارتباط آن با محل زندگی و زیست اجتماعی، از موضوعات مهم در حوزه مسائل اجتماعی است. در دوران معاصر و در پی رفع بسیاری از موانع پیشین در مهاجرت، انگیزه‌های شغلی و یا تحصیلی مسلمانان بسیاری را به اقامت‌های کوتاه‌مدت، بلندمدت، و یا حتی همیشگی در کشورهای برخوردارتر وامی‌دارد. این امر عامه مهاجران را در معرض تأثیرپذیری، جذب و هضم در هویت، فرهنگ و ارزش‌های کشور میزبان و از جمله جوانبی از این فرهنگ و ارزش‌ها که با زیست مؤمنانه در تعارض است، قرار می‌دهد. در مقابل، اقلیت‌های مسلمان ممکن است بتوانند تشکیل‌دهنده هسته‌های تبلیغ دین‌داری در میان جوامع غیر اسلامی باشند. در این صورت، مؤمنان با حفظ هویت دینی خود، علاوه بر آن که از تشعشعات گمراهی جامعه متوقف‌فیه در امان

۱. گفتنی است دو تعبیر دارالکفر و دارالحرب که در تعریف با یکدیگر اشتراکات و اختلافاتی دارند، در بافت تاریخی و ادبیات فقه اسلامی برای اشاره به جوامعی که میزبان اقلیت‌های مسلمان هستند، به فراخور مورد استفاده قرار گرفته‌اند (ساداتی‌نژاد، کولیوند، و کلاتری دهقی، ۱۳۹۶). البته تمرکز این مقاله تنها بر دلالت‌های قرآنی ناظر به موضوع است.

می‌مانند، باعث ترویج روحیه دین‌داری و دمیدن معنویت در آن جوامع و نمایان‌گر آثار دین برگزیده می‌گردند.^۱

بنابراین موضوع هویت‌یابی اقلیت‌های مسلمان در جوامع غیر اسلامی، از هر دو جنبه حفظ هویت دینی این اقلیت‌ها و نیز گشودن عرصه‌های جدید تبلیغ دینی، امروز بیش از پیش اهمیت یافته است. جبران خلأ نظری در بحث چگونگی ساخت این هویت با استنباط نظر قرآن در این زمینه امکان تحقق دارد.

۳. روش تحقیق

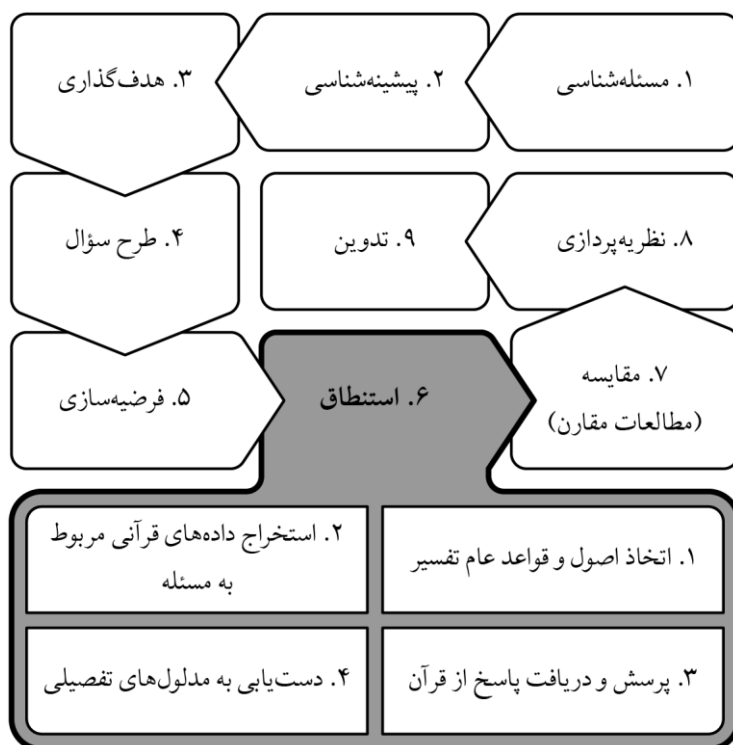
برای انجام پژوهش حاضر از طرح تحقیق تفسیر موضوعی (استنتاج) شهید سید محمدباقر صدر استفاده می‌گردد. بنا به دیدگاه ایشان، تفسیر موضوعی به کشف آن اجزایی از نظام اندیشه مؤلف می‌پردازد که هیچ لفظ یا عبارتی در متن به‌تنهایی به آن رهنمون نمی‌شود، بلکه در مبنا و اساس و کلیت سخن او مندرج است (قربانخانی، ۱۴۰۱، ص ۲۸). شهید صدر به سخن درآوردن متن قرآن با طرح پرسش از آن راه استخراج نظریات قرآن دانسته است. بر مبنای دیدگاه ایشان، قرآن در مواجهه با تجارب و معرفت بشری که از سوی محقق عرضه می‌شود، به تناسب فهم او در مورد آن تجارب حکم می‌کند (صدر، ۱۴۳۴، ص ۱۶-۱۸). پرسش و پاسخ بین محقق و متن تا جایی ادامه می‌یابد که وحدتی بین تجربه بشری و متن قرآن حاصل آید، نه به این معنی که یکی از طرفین (تجربه بشری و قرآن) بر دیگری حاکم گردد، بلکه به این معنی که آن دو در قالب روندی پژوهشی متحد شوند تا مفهومی قرآنی را نتیجه دهند که می‌تواند موضع اسلام را در برابر آن تجربه بشری در وضع انسان هر عصر معین کند (صدر، ۱۴۳۴، ص ۲۳).

اگرچه روش شهید صدر در آثار خود ایشان تنها به صورتی ضمنی مورد اجرا قرار گرفته است، پژوهشگرانی در صدد برآمده‌اند که صورت‌بندی‌ای از مراحل اجرای چنین طرحی از پژوهش قرآنی ارائه دهند. از جمله این تلاش‌ها، طرحی ۹ مرحله‌ای است که در آن پژوهش از مسئله‌شناسی آغاز می‌یابد و به تدوین نتایج ختم می‌گردد (شکل ۱). هسته اساسی این فرایند استنتاج قرآن است و لذا گاهی مجازاً از کل این طرح پژوهش با عنوان

۱. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (البقرة، ۱۴۳)

استنطاق یاد می‌شود (قربانخانی، ۱۴۰۱). برای استنطاق قرآن ۴ مؤلفه بر شمرده شده است (بهمنی، ۱۳۹۹، ص ۳۰-۳۲). در پژوهشی که بر اساس چنین طرحی سامان می‌یابد، استخراج داده‌های قرآنی که با مسئله ارتباط می‌یابند، و نیز دریافت پاسخ از قرآن و دستیابی به مدلول‌های حاصل از این پاسخ‌ها اجزائی اساسی در استنطاق قرآن به شمار می‌روند.

شکل ۱. طرح تحقیق تفسیر موضوعی (استنطاق)



در پژوهش حاضر برای اطمینان از اجرای نظام‌مند فرایند تحقیق، از روش تحلیل مضمون کمک گرفته شده، که روشی ساده و کارآمد برای تحلیل کیفی و استخراج الگوهای مندرج در متون است (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). با به کارگیری این روش، متن قرآن به عنوان منبع اولیه پژوهش مورد رجوع قرار گرفته و آیات مرتبط با موضوع استخراج گشته است. سپس این داده‌ها در مجموعه‌ای از قالب‌های مضامین، سازمان‌دهی شده و جهت استنطاق قرآن و استخراج نظریه در این رابطه مورد استناد قرار گرفته است.

۴. کشمکش اقلیت-اکثریت در جوامع

گروه اقلیت به مجموعه‌ای از اعضا جامعه گفته می‌شود که با گروه دیگری از شهروندان که از تعداد بیشتری برخوردارند (اکثریت)، تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها معمولاً بر اساس ویژگی‌های جسمی و زیستی حفظ شده در طی نسل‌های متوالی (نژادی) و یا دینی، ملیتی و زبانی یکسان (فرهنگی) و گاه بر اساس طبقات اجتماعی است (کوتن، ۱۳۸۴، ص ۴۸-۳۴۷). اقلیت‌ها غالباً از داشتن امکاناتی که اکثریت از آن برخوردارند، محرومند و به همین علت احساس می‌کنند که در جامعه تبعیضی علیه آنان روا داشته می‌شود (کوتن، ۱۳۸۴، ص ۴۸-۳۴۷).

هم‌زمان همواره احساسی بر گروه اکثریت حاکم است که امتیازات اقتصادی و اقتدار سیاسی آنان توسط اقلیت تهدید می‌شود. بدین سبب عموماً بین گروه مسلط (اکثریت) و گروه اقلیت نوعی هم‌ستیزی و رقابت ایجاد می‌شود.

اگر راه حل مسالمت‌آمیزی پیموده نشود، این کشمکش به اقدامات قهرآمیز اکثریت می‌انجامد؛ اقداماتی هم‌چون نسل‌کشی^۱، کوچ دادن اجباری اقلیت‌ها به مناطق نامطلوب^۲، و یا حداقل جداسازی مناطق زیست آن اقلیت‌ها به نواحی فرودست^۳. به تبع سلطه‌گری و تبعیض اکثریت، اقلیت‌ها به انجام اقدامات متقابلی همچون جدایی‌طلبی^۴، خودجداسازی^۵، پیگیری منازعات قومی و نژادی در قالب تشکلات اجتماعی و احزاب سیاسی مخالف سوق می‌یابند و در صورت شکست و نومیدی ناگزیر یا به کوچ اجباری تن می‌دهند و یا تسلیم فرهنگ‌پذیری و ترک جنبه‌های هویتی خود می‌گردند (کوتن، ۱۳۸۴، ص ۵۵-۲۵۱).

اما در جوامع مهاجرپذیر امروزی که به اقتضای ساختارها و روابط اجتماعی و اقتصادی وجود اقلیت‌های اجتماعی ضرورت می‌یابد، لازم می‌آید این کشمکش‌ها به صورت نرم‌تری مدیریت گردد. بر اثر سیاست‌ها و تدابیر مسالمت‌آمیز در میان‌مدت و

-
1. Genocide
 2. Expulsion
 3. Segregation
 4. Separatism
 5. Self-segregation

درازمدت تحقق این چشم‌اندازها قابل تصور خواهد بود:

(الف) اقلیت و اکثریت تدریجاً تمایزهای خود را به فراموشی سپرده و با ازدواج و اختلاط قومی و نژادی نسل سومی را به وجود آورند که به تمایل خود و طبیعت، هرآنچه خواهد از میراث فرهنگی و نژادی نسل پیشین گزینش نماید (همانندسازی فرهنگی و اختلاط نژادی)^۱.

(ب) تحولات جهان چنان صورت مسئله‌های زندگی را دستخوش تغییر سازد که آنان خود از همین اکنون، مرزهای بین خود را محو کرده و با برخورداری مساوی از امکانات و مزایای جامعه، دوشادوش به حل مسائل نوبه‌نوی جامعه مشترک مشغول شوند (هم‌گونگی)^۲.

(ج) در دنیایی واقعی‌تر هر دو گروه بپذیرند که مرزهایی با هم دارند و هر دو آداب و رسوم و هویت خود را حفظ کنند ولی بدون آن که تفاوت‌های فرهنگی لزوماً در برخورداری از امکانات تأثیر گذارد، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیش گیرند (تکثرگرایی و چندگرایی فرهنگی)^۳ (کونن، ۱۳۸۴، ص ۵۵-۲۵۱).

عموماً از دو استعاره متفاوت دیگر درهم‌جوشی^۴ و ظرف سالاده^۵ برای هویت اجتماعی حاصل از هم‌زیستی در جوامع مهاجرپذیر استفاده می‌شود. بر اساس استعاره دیگر درهم‌جوشی، اقلیت‌های تشکیل‌دهنده جامعه به مثابه اجزای داخل یک دیگ با هم جوشیده می‌شوند و اختلاط می‌یابند و از این اختلاط اجتماع جدیدی به وجود می‌آید که متفاوت از هر یک از اجزای اولیه و برآیند فضیلت‌های جمعی آنان است. در استعاره ظرف سالاد که نسبت به استعاره قبل تکثرگرایی بیشتری روا می‌دارد، اجزای اولیه موجودیت و ویژگی‌های خود را تا حدی که در خدمت کلیت واحد بگنجد، حفظ می‌کنند. حرکت از استعاره دیگر درهم‌جوشی به استعاره ظرف سالاد، حرکت از حالت تک‌فرهنگی به پذیرش چندفرهنگی در جامعه مهاجرپذیر است. با این حال هر دوی این

1. Amalgamation

2. Integration

3. Cultural pluralism

4. Melting pot

5. Salad bowl

استعاره‌ها در نهایت هدف استحاله و یا حداقل هم‌سوسازی فرهنگ‌های اقلیت در فرهنگ غالب را پی می‌گیرند (Berray, 2019).

در مورد اقلیت‌های مسلمان، از آنجا که دیدگاه قرآنی نمی‌تواند هضم شدن ذیل هویت نشئت گرفته از هویت‌های غیر اسلامی را بپذیرد^۱، هیچ یک از این دو دیدگاه قادر نیست بیان‌کننده نظر قرآن راجع به زیست اقلیت مسلمان در جوامع غیر مسلمان باشد و لذا پرسش این پژوهش موضوعیت می‌یابد.

۵. نظریه قرآنی زیست اجتماعی اقلیت مسلمان در جوامع غیر مسلمان

گفتنی است قرآن اصل همه چیز را ایمان و زندگی ایمانی می‌داند.^۲ لذا هرگز راضی نیست که شخص دست به کاری زند که ایمان او تضعیف گردد. بنابراین اگر در مورد زندگی مسلمانان در جوامع ناسازگار بتوان مطلبی از کتاب آسمانی استفاده کرد بعد از آن است که ایمان آنان از آسیب‌های هم‌زیستی با غیرمؤمنان در امان باشد. لذا نخست باید برای حفاظت از ایمان خود این افراد، از راهکار قرآنی پرسش کرد.

در این چارچوب لازم به یادآوری است که برداشتی که هر فرد از خود دارد از طریق یک نظام شناختی با دو زیرنظام مهم رقم می‌خورد:

۱. نظام هویت شخصی که منعکس‌کننده تصویر و باوری است که هر کس از مختصات و مشخصه‌های خویشتن خویش دارد. این زیرنظام شامل خصوصیات خواهد بود که فرد پس از مقایسه خود با دیگر هم‌ردیفانش معتقد می‌شود وی را از دیگران «تمایز» می‌بخشد (مثال: من آدم منظمی‌ام، یا نام من ... است).

۲. نظام هویت اجتماعی که دربردارنده باوری است که هر کس از خصوصیات اجتماعی‌اش و نقش خود در اجتماع به عهده دارد. یعنی او این بار مختصاتی که از خود می‌شناسد را با گروه‌های اجتماعی می‌سنجد و سپس نزدیک‌ترین گروه به مختصات خود (براساس وجوه «تشابه» خویش با اعضای آن گروه) را می‌یابد و به عنوان نقش خود می‌پذیرد (مثال: من مسلمان هستم، یا من معلم هستم) (رضایی قادی، ۱۳۹۸).

۱. «الإسلام يعلو ولا يعلى عليه» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۳۴).

۲. چه آن که فقط کسانی که به ایمانی خالص دست یابند به آرامش رسیده و راه درست را یافته‌اند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ أَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲)

از تفکیک فوق این طور برداشت می شود که انسان همان طور که اجتماعی آفریده شده و نمی تواند به دور از هم نوعان خود زندگی طبیعی داشته باشد، به گونه ای آفریده شده است که تمایل دارد در بین انسان ها با یک هویت اجتماعی شناخته شود و فعالیت های زندگی اش را در قالب یک تشکل اجتماعی به پیش ببرد. و چون روحیه اش با همه هم نوعان به یک اندازه سازگار نیست، در میان آنان دست به گزینش زده و با نزدیک ترین افراد هم سلیقه اش شبکه ای اجتماعی را تشکیل می دهد.

جامعه انسانی قرآن در افق آرمانی جامعه ای فراگیر است که حاکمیت از آن دین حق و در دست مؤمنان بوده و بدون هرگونه تحفظی بتوان در آن خدا را پرستید و دستوراتش را اجرا کرد:

خداوند به کسانی از شما که مؤمن و صالح باشند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمرانی زمین خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و کل دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، اجرایی خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقاند.^۱

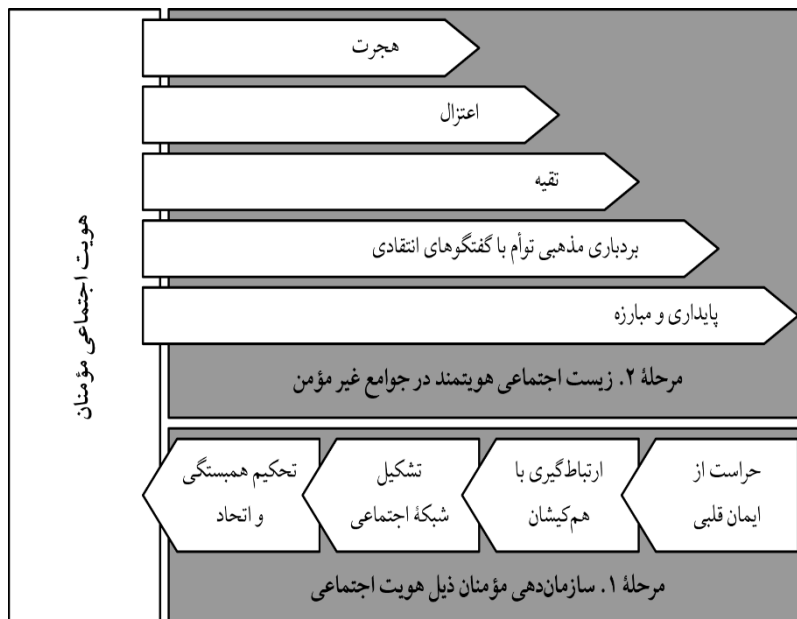
ولی تا هنگام تحقق این آرمان، اقلیت های پراکنده و مشتت مسلمان باید با تشکیل یک شبکه پیوسته، با یکدیگر پیوند خورده و به یک هویت اجتماعی شناخته شده جهانی دست یابند. پس از آن با ارزیابی شرایط سیاسی-اجتماعی که بر هر یک از این اقلیت ها حاکم است، این آرمان را نسل به نسل و منطقه به منطقه به پیش برند، تا به خواست خداوند، زمان تحقق آن وعده صادق فرارسد.

آنچه در ادامه می آید، کوششی است برای شناسایی مضامین مرتبط با موضوع (جدول ۱) تا در چارچوب طرح تحقیق تفسیر موضوعی (استنتاج)، مدلی از نظریه قرآنی پدیدار گردد. این مدل در قالب شکل ۲ قابل نمایش است.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُودُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵).

	شرح	تکرار	موارد
۱	حراست از ایمان قلبی	۳	المائدة: ۱۰۵، یونس: ۸۶-۸۴، التحريم: ۶
۲	تشکیل شبکه اجتماعی	۴	آل عمران: ۲۰۰، التوبة: ۷۱، یونس: ۸۷، الأحزاب: ۵۹
۳	حفظ اتصال با مرکزیت دینی	۳	آل عمران: ۲۰۰، التوبة: ۱۲۲، الحج: ۲۷
۴	تحکیم هم‌بستگی و اتحاد بین خود	۵	آل عمران: ۱۰۲-۱۰۳، الأنعام: ۱۵۹، الأنفال: ۴۶، القصص: ۸۳، الحجرات: ۹-۱۸
۵	پایداری و مبارزه	۸	الأعراف: ۱۲۸-۲۹، الأنفال: ۲۶، التوبة: ۵۲، ۱۲۱، هود: ۱۱۲-۱۱۳، الحج: ۳۹-۴۱، النور: ۵۵، فصلت: ۳۰-۳۳
۶	بردباری مذهبی توأم با گفتگوی انتقادی	۵	آل عمران: ۶۱، ۱۰۴-۱۰۵، یوسف: ۱۰۸، النحل: ۱۲۵، العنكبوت: ۴۶
۷	اعتزال (خودجدا سازی)	۴	الکھف: ۱۶، مريم: ۱۶-۱۷، ۴۸-۵۰، الحديد: ۲۷
۸	تقیه	۴	آل عمران: ۲۸، النحل: ۱۰۶، يس: ۲۸-۲۰، مؤمن (غافر): ۲۶-۴۶
۹	هجرت	۱۸	البقرة: ۲۱۸، آل عمران: ۱۹۵، النساء: ۹۷-۱۰۰، ۸۸-۸۹، الأنفال: ۷۲-۷۵، التوبة: ۲۰، ۱۰۰، ۱۱۷، النحل: ۴۱، ۱۱۰، الحج: ۵۸، النور: ۲۲، العنكبوت: ۲۶، العنكبوت: ۵۶، الأحزاب: ۶، ۵۰، الحشر: ۸-۹، الممتحنة: ۱۰

شکل ۱. نظریه قرآنی زیست اجتماعی اقلیت مسلمان در جوامع غیر مسلمان



۵-۱. ساخت هویت جمعی

قرآن توصیه نمی‌فرماید که اقلیت مسلمان اقلیتی ضعیف بماند بلکه هدف‌گیری از همان آغاز، حرکتی رو به قوت و رشد توانایی‌ها و راسخ شدن و استحکام عقاید است تا به هنگام بلوغ و سرپنجگی بتواند از خود دفاع کرده و به‌عنوان جامعه‌ای با شعارهای مشخص اعلام موجودیت و حضور نموده و مقدمات ارتقای قدرت اجتماعی را فراهم آورند. این قدرت اجتماعی از سوی خدا به منزله نشانه تأیید الهی، نعمتی مهم و مستوجب شکر معرفی شده است:

و برای آن که بدانید خداوند یاور مؤمنان است به یاد آورید زمانی که عدهٔ خیلی بودید و شما را در ناحیه‌ای که می‌زیستید به‌چیزی حساب نمی‌کردند و پیوسته از مردم آنجا بر خود ترسان بودید که مبادا شما را (از روی زمین) برچینند. بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت عطا کرد و از پاکیزه‌ترین طعام‌ها روزی شما فرمود، باشد که شکر به جای آورید.^۱

قرآن تحقق این هدف را نتیجهٔ برکشیده شدن جامعه از آحاد متفرق با خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌های داخلی به سمت هویت اجتماعی مبتنی بر اخوت ایمانی دانسته است.^۲ به موجب آنچه از قرآن قابل استنباط است، چهار مرحله در فرایند این تحول اجتماعی احصا می‌گردد.

۵-۱-۱. حراست از ایمان قلبی

اولین قدم اساسی که اختصاصی به حیات اجتماعی اقلیت‌های مسلمان نداشته و توصیه‌ای عمومی به کلیهٔ مسلمانان است، مقاومت در برابر عوامل مضر اجتماعی است. گویا گمراهی یک بیماری است که همانند بیماری‌های جسمی قابل سرایت می‌باشد و ازاین‌رو، راهبرد یگانهٔ قرآن برای مؤمنان آن است که به هر قیمت، ولو به تحمل مشقت و محرومیت فراوان، باید در برابر سرایت گمراهی، از ایمان و باورهای خود حراست و از

۱. ﴿وَ اذْكُرُواْ اِذْ اَنْتُمْ قَلِيْلٌ مُّسْتَضْعِفُوْنَ فِى الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّخَطَّفَكُمْ النَّاسُ فَارَاكُمْ وَ اَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ﴾ (انفال، ۲۶)

۲. ﴿وَ اعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُواْ وَ اذْكُرُواْ نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَفَ بَيْنَ قُلُوْبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَاناً﴾ (آل عمران، ۱۰۳)

استحاله عقیدتی خود و عزیزانشان در فرهنگ محیط مراقبت کنند:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خویشتن باشید، مبدا پس از آن که راه

یافته‌اید کسانی که گمراه شده‌اند به شما زبانی برسانند (گمراهان کنند).^۱

و در جایی دیگر علاوه بر هشدار شدید نسبت به آتش جهنم در مورد ضرورت حفاظت ایمان شخصی، مسئولیت خانواده را نیز به عهده اولیاء گذاشته است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌هایتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها خواهند بود، حفاظت کنید.^۲

با پذیرش تلخ‌کامی‌ها و دشواری‌های این کار، مسلمانان برای کسب توان پایداری جهت حراست از ایمان خود، چاره‌ای به‌جز سپردن امور خود به خداوند جهان و اطاعت از رهبری الهی خود نخواهند داشت. این رهنمود در مقاطع مختلفی از تاریخ ایمان به مؤمنان داده شده است، از جمله هنگامی که در مصاف موسی با فرعون و بروز معجزه اژدها و مجازات سنگینی که علیه ساحران به مورد اجرا درآمد و نفس‌ها در سینه خفه شد و کسی جرئت ایمان آوردن نداشت و بیم آن می‌رفت که مؤمنان هم رنگ باخته، هم‌رنگ جماعت انبوه بی‌ایمان شوند، حضرت موسی توجه آنان را به این نکته جلب فرمود:

و موسی گفت: «ای قوم من، شما اگر به حقیقت ایمان به خدا آورده و اگر به

راستی تسلیم فرمان او هستید پس بر او توکل کنید». مؤمنان همه گفتند: «ما بر

خدا توکل کردیم، بار الها ما را دستخوش فتنه اشرار و قوم ستمکار مگردان. و ما

را به رحمت و لطف خود از شر کافران نجات ده». ^۳

۵-۱-۲. تشکیل شبکه اجتماعی

ایجاد همدلی و همدردی بین افراد پراکنده و متشتت، به‌هدف خلق یک همبستگی

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مانده، ۱۰۵)

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فَاؤْذُنُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم، ۶)

۳. «وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ» فقالوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ نَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (یونس، ۸۴-۸۶)

اجتماعی، از گام‌های بعدی است که برای دمیدن اعتماد به نفس در بین اعضای گروه اقلیت ضرورت دارد. کلید همدلی و همدردی، برقراری ارتباطات فیزیکی بین افراد می‌باشد. سپس، مسلمانان باید بر بستر مشترکات حداقلی، زمینه هم‌سازی و هم‌فکری بیشتر را فراهم آورند. «شبکه‌سازی» تعبیری است که امروزه برای اقدامات منتج به هم‌سازی و هم‌فکری به کار می‌رود.

رهنمود قرآنی در مورد شبکه‌سازی را می‌توان از تاریخ بنی اسرائیل استظهار نمود. در هنگامی که این قوم در جامعه مصر به عنوان اقلیتی غیرقابل جذب در گروه مسلط، و در قالب کولی‌هایی بی‌خانمان و حاشیه‌نشین و مهاجر، به مشاغل فرودست اشتغال داشت، حضرت موسی (ع) مأمور نجات آنان گردید. او در نخستین گام‌ها برای این کار به امر خداوند برنامه‌ای برای اسکان آنان در منطقه‌ای متمرکز را ترتیب داد. سپس با طراحی نقشه اسکان به گونه‌ای که منازل در مجاورت و در مقابل یکدیگر قرار گرفته و فضائی عمومی برای برگزاری مراسم پدید آورد، امکان دسترسی و آمیختگی آسان‌تری را فراهم ساخت (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۱۵-۱۱۴):

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه‌هایی در سرزمین مصر فراهم آورید؛ زیرا آنان باید چادرنشینی و پراکندگی را رها سازند. و خانه‌هایشان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده که سرانجام پیروز می‌شوند».^۱

امیدوارکننده آن‌که همان‌طور که شبکه‌سازی حضرت موسی (ع) توانست طی یک دوره زمانی (هرچند سخت) به انقلابی بزرگ بینجامد، در صورت برخورداری امت از محور و رهبری الهی از نمط حضرت موسی (ع)، به ثمر رسیدن یک حرکت هم‌گرای اجتماعی، با این روش، طولی نخواهد کشید.

۵-۱-۳. حفظ اتصال با مرکزیت دینی

بنا به توصیه کلی قرآن شایسته است مسلمانان پیوسته با یکدیگر در ارتباط باشند. اما حفظ

۱. «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس).

ارتباط و اتصال گروه‌های اقلیت‌های دوردست با مرکزیت دینی نیز به همان میزان انسجام داخلی مسلمانان اهمیت دارد. بنا بر تفاسیر، حفظ ارتباط با پیشوای دینی به‌عنوان محوریت دین، چه در دشواری‌ها و چه در شرایط آسایش، در کنار حفظ ایمان و صبر بر انجام دستورات دینی (گام اول معرفی شده در این پژوهش) و حفظ انسجام داخلی در مقابل شدايد دشمن (گام دوم معرفی شده در این پژوهش)، دلالت این آیه از قرآن را تشکیل می‌دهد که: ای اهل ایمان؛ تک‌تک و دسته‌جمعی شکیبایی کنید، و پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.^۱

ارتباط با مرکزیت دینی که گاهی به مناسک دینی راه یافته است،^۲ علاوه بر کارکرد انسجام‌بخشی و هویت‌سازی، از جهت تعمیق معرفت دینی و تربیت رهبران اجتماعی مسلمانان نیز مهم شمرده شده است.

چرا از هر فرقه‌ای گروهی [به سوی پیامبر] نمی‌روند تا دانش دین بیاموزند و هنگامی که به سوی قومشان بازگشتند آنان را انذار دهند؟^۳

۵-۱-۴. تحکیم همبستگی و اتحاد بین خود

جامعه تازه تأسیس همان‌گونه که زمینه تفاهم و تعارف فزاینده را فراهم می‌آورد، استعداد بروز ناهماهنگی‌های فراوان برخاسته از پیشینه‌های تربیتی، آداب و رسوم، قومی و نژادی متفاوت را نیز با خود دارد. به‌طوری که هر از چندی می‌تواند موجب جهش جرقه‌هایی از ناسازگاری و حتی به آتش کشیدن همه چیز گردد. در اینجا نقش رهبران و مصلحان در نرم‌کردن روابط اجتماعی و پیش‌گیری و مهار اصطکاکات، اهمیت می‌یابد. الگوی شاهکارگونه این تدبیر اقدامی است که رسول اکرم(ص) در تاریخ ۱۲ ماه مبارک رمضان سال اول هجری متعاقب نزول آیه زیر معمول داشتند:

ایمان اوج برادری بین مؤمنان است؛ بنابراین میان برادرانتان سازش برقرار کنید، و از

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران، ۲۰۰). ر.ک: (طباطبایی، ۱۳۹۱).

ج ۴، ص ۱۳۳).

۲. ﴿وَ أُوْذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (الحج، ۲۷)

۳. ﴿فَلَوْ لَا نَفَرُ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾ (توبه، ۱۲۲)

خدا از کوتاهی در این باره پروا ننماید تا مورد رحمت قرار گیرید.^۱

یعنی در شرایطی که بیش از ۶ ماه از پایه‌ریزی جامعه اسلامی نمی‌گذشت (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸، ص ۹۲)، و سیل مهاجرانی که با مصادره اموال و فروپاشی خانواده‌ها، شهر و دیار خود را رها کرده و از نقاط مختلف با فرهنگ‌های متفاوت، با روحیه‌هایی آماده انفجار و آینده‌ای مبهم به شهر کوچک مدینه سرازیر شده و بر سر ساکنان اولیه که آن‌ها هم وضع بهتری نداشتند آوار شدند (العاملی، ۱۴۱۵، ص ۲۲۰-۲۳۸)، پیامبر با انعقاد «عقد برادری» بین هر مهاجری با یکی از انصار، گفتمان «مواسات»^۲ را به راه انداختند و کار به گونه‌ای پیش رفت که هر برادری اسکان، معیشت، شغل و خلأ عاطفی برادرش را تأمین نمود. در سال چهارم پس از هجرت که منابع مالی قابل توجهی عائد گردید، این که این منابع به مصرف عموم مسلمین برسد و یا فقط به مهاجران اختصاص یابد مشروط بر آن که برای خود منزل و سرمایه‌ای مستقل بسازند، همه‌پرسی به عمل آمد. رابطه مواسات در همین مدت کوتاه آن‌چنان تعمیق شده بود که انصار درخواست کردند که منابع به مهاجران اختصاص یابد و در عین حال از پیش آنان نروند! (واقفی، ۱۴۰۹، ص ۳۷۹) بدین ترتیب پدیده‌ای که می‌توانست به یک انفجار اجتماعی منجر شود تبدیل به یک سرمایه اجتماعی گردید.

گفتمان «اخوت» و «مواسات» هنگامی توانست از عهده چنین مهمی برآید که در آیات بعد از آیه فوق‌الاشاره^۳، با پشتوانه آموزه‌های دیگری همچون تحریم به سخره گرفتن شخصیت یکدیگر، عیب‌جویی، برچسب‌زنی‌های آزارنده، بدگمانی، تجسس در زندگی شخصی، غیبت، برتری‌طلبی، نژادپرستی و طایفه‌گری، تکمیل گشته و اساساً نظام ارزشی جامعه با محور قرار گرفتن تقوی، فرمان‌برداری از قوانین الهی، ایستادگی در برابر امواج شک و فتنه، مجاهدت با مال و جان در راه خداوند، عدم سهم‌خواهی از اسلام و احساس دین به خداوند در قبال هدایت خود، بازسازی گردید. و با این سازوکار بود که آن رهبر

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰)

۲. «مواسات»: یاری، غم‌خواری، در دفع زیان‌ها و جلب منافع مادی و معنوی دیگری را مثل خود شمردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۷۷؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱۹۸).

۳. حجرات، ۸-۱۱.

آسمانی توانست از لرزش گسل‌های اجتماعی پیش‌گیری به‌عمل آورده و از همان آغاز هجرت شالوده تمدنی جهانی و ابدی را استوار سازد.

این هم‌گرایی و همبستگی سال‌ها بعد به‌عنوان یک نعمت بزرگ به مؤمنان یادآوری شده و نسبت به فروپاشی آن شدیداً هشدار داده می‌شود:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید، و از دنیا نروید مگر اینکه تسلیم او باشید، و همگی به ریسمانی که شما را به خدا پیوند می‌دهد [= قرآن و پیامبر] چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید.^۱

رهاورد ایجاد شبکه اجتماعی بین مؤمنان آن است که این افراد اگرچه در جامعه‌ای زیست می‌کنند که در اقلیت قرار دارند ولی تدریجاً به منزلت و موقعیت جدیدی دست می‌یابند که برای آن‌ها به اندازه کسانی که در اکثریت‌اند، قابل افتخار است. و آن یک هویت اجتماعی است. هویت اجتماعی یعنی مسئولیت‌پذیری، شناسنامه‌دار شدن و احراز پایگاه در میان جامعه. با احراز موفقیت در این پیانید، گروهی که روزی اقلیتی پراکنده و بی‌خاصیت و فاقد هویت به‌حساب می‌آمد اینک با بازیابی هویت اجتماعی خود، آمادگی ایفای «نقش» تأثیرگذار یافته است و اکنون خود یکی از بازیگران و کنش‌گران آن جامعه محسوب می‌شود.

۵-۲. زیست اجتماعی هویت‌مند در جوامع غیر مسلمان

هویت‌مند شدن مسلمانان در قامت اقلیتی صاحب قدرت و نفوذ اجتماعی نقطه عطفی در زیست اجتماعی آنان در دیگر جوامع محسوب می‌شود. این آغاز گام بعدی است. حال باشناسنامه‌دار شدن این اقلیت، برای بقا و بالندگی آن باید پیوسته تلاش نمود تا اهداف اجتماعی متعالی‌تر در دسترس قرار گیرند. این جامعه، چه بتواند از مزایای رفاهی برخوردار شود و چه نتواند، باید از حقوق اساسی در شأن خود، یعنی حق تعیین سرنوشت،

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۱۰۲﴾ وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۰۳﴾ (آل عمران، ۱۰۲-۱۰۳)

عزت و احترام متقابل خویش، پاسداری نماید.

پس از موفقیت در ساخت این هویت و قرار گرفتن در مرحله دوم، نظریه قرآنی شامل راهبردهایی اجتماعی می شود که بنا بر مصالح عمومی در هر موقعیتی به فراخور و اقتضا کاربرد می یابند. به این ترتیب و بر خلاف مرحله نخست، گام های این مرحله تقدم و ترتبی بر یکدیگر ندارند.

۵-۲-۱. پایداری و مبارزه

استقامت در راه حق روح کلی دستورات قرآن کریم است.^۱ قرآن کریم این روحیه استقامت و مبارزه جویی در حیات اجتماعی مسلمانان مهم ترین ضامن بقای امکان دین داری خوانده است:

اگر خدا برخی از مردم را به وسیله دیگران دفع نمی کرد، بی تردید صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجد که در آن ها بسیار ذکر خدا می شود، کاملاً ویران می شدند.^۲

روحیه پایداری باعث حفظ حساسیت اجتماع مسلمانان در قبال مظاهر غیر الهی می شود. این روحیه در هر یک از چهار راهبرد دیگر این مرحله به صورت تمایل به بسط دایره جامعه مسلمانان و یا حد اقل محافظت از جامعه و خود در قبال امور معارض تجلی می یابد. کم رنگ شدن حساسیت ها و مرزبندی ها با ظالمان نقطه سقوط جامعه درون آتش شمرده شده است که هشیاری و پایداری رهبر جامعه، و علاوه بر آن کل آحاد آن جامعه، را می طلبد.

پس تو و نیز همه آنانی که با تو به سوی خدا روی آورده اند، آن گونه که فرمان یافته ای ایستادگی کنید. و سرکشی نکنید که او به آنچه انجام می دهید بینا است. و به کسانی که ستم کرده اند گرایش پیدا نکنید که در این صورت آتش دوزخ به شما می رسد. در آخر الامر نیز دوستی برای خود نخواهید داشت و یاری نخواهید شد.^۳

۱. ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ﴾ (فصلت، ۶) ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَتُبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ (فصلت، ۳۰)

۲. ﴿... وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْجَمَتْ صَوَامِعُ وَ بَيْعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا...﴾ (حج، ۴۰)

۳. ﴿فَاستَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مِنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ * وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ (هود، ۱۱۲-۱۱۳)

در حالت نهایی، این روحیه در قالب جهاد و روحیه شهادت طلبی تعین پیدا می‌کند. به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست. همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جرمی نداشتند جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!»... و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است. همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.^۱

۵-۲-۲. بردباری مذهبی توأم با گفتگوهای انتقادی

اکنون در مورد جامعه‌ای گفتگو می‌کنیم که گروه مسلط (اکثریت) غیرمسلمان بوده و اقلیت مسلمان در کنار آنان زندگی می‌کنند. در چنین موقعیتی اگر آزادی و امکان ابراز مواضع حق وجود داشته باشد، توصیه‌ای که از قرآن قابل استظهار است، آن است که مسلمانان ضمن هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اکثریت و بدون نقض هم‌بستگی اجتماعی، با خیرخواهی و مسالمت بکوشند که شهروندان را نسبت به تفاوت‌های فکری و هنجاری خود با آنان، روشن کرده و علل آن را توضیح داده و آنان را دعوت به خیر و حق نمایند: «و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق‌اند) رستگار خواهند بود. و مانند کسانی نباشید که وحدت خود را از دست دادند و پراکنده شدند».^۲

بسته به مخاطبان و شرایط روحی آنان، سه الگوی متفاوت برای این روشنگری، در قرآن کریم پیش‌بینی شده است:

۱. تبیین منطقی: در صورتی که مخاطب آمادگی بحث استدلالی داشته باشد.

۱. ﴿أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْ يَأْمُرُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى نَحْوِ مَا لَدِينُ ۖ لَقَدْ جَاءَهُمْ بُرْهَانٌ مِنَ اللَّهِ فَآخِذُوا بِهِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ ۚ﴾ (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۵) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا إِلَهُكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُخَالِفُ الظَّالِمِينَ ۚ﴾ (آل عمران، ۳۹-۴۱) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَيْهَاتَ وَهَيْهَاتَ الْمَثَلَاتِ ۚ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمِثْلِ السَّيِّفِ ۚ وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ ۚ الَّذِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاتَّخَذُوهَا كَمَثَلِ اللَّيْلِ الَّتِي سَلَفَتْ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضِلُّونَ ۚ﴾ (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۵) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَيْهَاتَ وَهَيْهَاتَ الْمَثَلَاتِ ۚ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمِثْلِ السَّيِّفِ ۚ وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ ۚ الَّذِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاتَّخَذُوهَا كَمَثَلِ اللَّيْلِ الَّتِي سَلَفَتْ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضِلُّونَ ۚ﴾ (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۵).

۲. ﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا يَفْتَحُونَ مِنَ الْأَرْضِ وَأَنْفُسُكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۚ﴾ (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۵) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَيْهَاتَ وَهَيْهَاتَ الْمَثَلَاتِ ۚ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمِثْلِ السَّيِّفِ ۚ وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ ۚ الَّذِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاتَّخَذُوهَا كَمَثَلِ اللَّيْلِ الَّتِي سَلَفَتْ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضِلُّونَ ۚ﴾ (آل عمران، ۱۰۴-۱۰۵).

۲. اندرز مشفقانه: در صورتی که مخاطب حوصله مباحث عقلی را نداشته ولی از طریق بذل عاطفه و مهربانی و دلسوزی پنجره روح و قلب خود را می‌گشاید.
۳. مناظره حق‌جویانه: در صورتی که ذهن مخاطب به شبهات و انتقادات و ابهامات مشوب شده باشد: «(ای رسول ما؛ خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت نما و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن»^۱.
۴. البته در مواردی که هیچ امیدی برای نفوذ در دل گمراه مخاطبان نبوده و بلکه آن‌ها در مقام لغزاندن اهل حق برآیند یک راهکار عمومی نیز در قرآن کریم پیش‌بینی شده است که در این‌جا می‌تواند در دفاع از مرزهای عقیدتی جامعه اقلیت به کار آید، و آن «مباهله»^۲ است. مباهله را می‌توان شیوه چهارم گفتگوی انتقادی شمرد. مباهله استمداد از خداوند برای آشکارساختن حق از طرق غیرطبیعی است. اگرچه در آغاز اسلام کاربرد مباهله موضوعاتی ویژه بود، لکن در مراحل بعدی به‌عنوان گزینه‌ای که در هنگام بن‌بست مذاکرات بتواند حق را روشن نماید، به همه مناظره‌های عقیدتی، از جمله رویارویی اقلیت و اکثریت، تسری یافت (غراب، ۱۳۹۰، ص ۹۵-۱۰۱). قرآن کریم می‌فرماید: «بعد از ارائه حقایقی که در نزد تو است، اگر طرف مقابل بر مواضع خود اصرار ورزید، بگو بیایید هر دو طرف فرزندان و زنان و کسانی که به منزله خودمان هستند را جمع کنیم، سپس به مباهله برخاسته و از خداوند بخواهیم هرکس دروغگو است [با همراهانش] به لعن و عذاب خدا گرفتار آید [و نابود شود]»^۳.

۵-۲-۳. اعتزال (خودجدا سازی)

در شرایطی که جو عمومی جامعه تحمل عقاید این اقلیت را نداشته و حتی نسبت به آن

۱. «إِذْ دُعِيَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَهِنِينَ» (نحل، ۱۲۵)

۲. مباهله به معنای یکدیگر را نفرین کردن، (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۴۸۳)، رابطه‌ای میان دو نفر یا دو گروه متخاصم است که هر یک برای اثبات حقانیت خود، از خداوند متعال می‌خواهد بر طرف مقابل او - که وی را ظالم می‌پندارد- لعنت فرستد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۵۰). در تاریخ مواردی که مباهله به اجراء درآمده است به مرگ و نابودی طرف ناحق انجامیده است. به همین سبب افراد نادری در مباحثات خود به آن تن داده‌اند (غراب، ۱۳۹۰، ص ۲۰-۱۱۲).

۳. «فَمَنْ خَالَجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱)

ستیزه‌گری می‌نماید، اعضای گروه اقلیت با اعتزال^۱ و «از طریق جداسازی داوطلبانه، خود را از بقیه جامعه جدا می‌کنند. آنان با این شیوه می‌توانند برای [بقای] خود تسهیلاتی به وجود آورند و در عین حال، رسوم، الگوهای رفتاری [و عقاید] خود را حفظ کنند. گروه اقلیت در بخشی که از بقیه جامعه جدا است، زندگی می‌کنند و با اعضای گروه مسلط ارتباط ندارند» (کوئن، ۱۳۸۴، ص ۳۵۴، ۳۶۳، ۳۶۶).

قرآن کریم برای راهکار اعتزال ذکر سه موقعیت تاریخی را مهم تشخیص داده است:

۱. آن‌گاه که در زمانه اصحاب کهف، مؤمنان از اصلاح روند جامعه نومید شده و جایی برای تفکر توحیدی در صحنه موجود نیافتند. اصحاب کهف که خود از کارگزاران دولتی بودند، وقتی به این نتیجه رسیدند که از عهده اصلاح جریان امور جامعه بر نمی‌آیند، پس یا باید در جو حاکمه استحاله شوند و یا نیروی خود را بیهوده صرف اصطکاک دائمی نمایند و یا از اجتماع کناره‌گیرند. برای آن‌که لااقل خود توحیدی زندگی کنند به کنج عزلت در غار خزیدند تا خداوند گشایشی بیافریند: «و (به آن‌ها گفتیم): هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید؛ که پروردگارتان (سایه) رحمتش را بر شما می‌گستراند؛ و در این امر، گشایشی برای شما فراهم می‌سازد»^۲.

۲. بن‌بستی که برای حضرت ابراهیم(ع) پیش آمد. یعنی موقعیتی که دعوت‌های توحیدی آن حضرت در قوم نمرودی تأثیر نکرده و بلکه سردمداران جامعه برای خشکاندن ریشه این تفکر و عبرت دیگران، تا زنده زنده سوزاندن او ایستاده بودند، آنجا بود که حضرت به این نتیجه رسید که باید رسالت آسمانی خویش را در سرزمینی دیگر و با مردمانی آزادفک‌تر ادامه دهد و تا فراهم آمدن زمینه این هجرت باید در گوشه انزوا بر عقاید خویش ثابت ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۳، ص ۸۵-۸۸): «پس به آن‌ها گفت: «من از شما و معبودانی که به جای خدا می‌پرستید، کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم، امید است در خواندن پروردگارم [از اجابت او] محروم و بی بهره نباشم». پس هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستیدند، کناره گرفت، اسحاق و فرزندش یعقوب را به او

1. Self-segregation

۲. ﴿وَ إِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْظُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَلَّوْا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرُ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يُهَيِّئُ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْقَاً﴾ (کهف، ۱۶)

عطا کردیم و به همه شرف نبوت بخشیدیم»^۱.

۲. شرایطی که حضرت مریم(ع) با آن مواجه گردید. آنگاه که از یک سو باید حسب نذر مادر، به خدمت معبد درآید و از سوی دیگر سران معبد حضور وی را با روش‌های خود متفاوت یافته و بر ممانعت از ورود او اصرار می‌ورزیدند. ولی سرانجام با تسلیم به فشارهای حضرت زکریا(ع)، مریم توانست به نذر مادر جامه عمل پوشانده و پا بدانجا گذارد. لکن او برای رهایی از تنش‌های دائمی به‌ناچار در زاویه‌ای تنها انزوا گزید تا فارغ البال به عبادت بپردازد (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۶۱۱): «و در این کتاب (آسمانی) مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) استقرار یافت؛ و میان خود و آنان حجابی افکند [تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد]»^۲.

۵-۲-۴. تقیه

در مواردی که اقلیت در جامعه‌ای گرفتار آمده است که گروه مسلط حتی به خودجداسازی آنان هم قانع نبوده و در صورت اعلان مواضع، کمر به حذف کلی آنان خواهد بست،^۳ در صورتی که زنده‌ماندن چراغ خاموش مؤمنان، اصل دین را به ورطه خاموشی و فراموشی نبرد، به یک نوع زندگی بدون تابلو، تن داده شده است. این نوع بقاء، که «تقیه»^۴ نام دارد کمک می‌کند که ریشه‌ها زنده مانده و با خرید زمان، ایمان در

۱. «وَ اعْتَرَلْنَاهُ وَ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ ادْعُوا رَبِّي عَسَىٰ اَلَّا اَكُونَ بَدْعًا رَبِّي شَقِيًّا ۖ فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ ۖ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ۖ وَ وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» (مریم، ۴۸-۵۰).

۲. «وَ اذكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ اِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۖ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا» (مریم، ۱۶-۱۷) اعتزال بعداً در میان مسیحیان به روشی ثابت برای گوشه‌گزینی در محل صومعه‌ها و دیرهای دور از مردم تبدیل شد. این روش با نام «رهبانیت» داوطلبانه و با نیتی خیر، ابداع شد ولی در ادامه چنان شد که کاملاً مورد تأیید دین نماند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸-۲۱۳؛ مک‌اولیف، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴-۲۰۷). قرآن در این باره می‌فرماید: «و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گرچه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آن‌ها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ ولی بسیاری از آن‌ها فاسق‌اند» ﴿... وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ اِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ (الحديد، ۲۷).

۳. نسل‌کشی (Annihilation): فرایندی که در آن، اعضای یک گروه مسلط، به‌عمد اعضای گروه اقلیت را می‌کشند (کوئن، ۱۳۸۴، ص ۳۶۵).

۴. «تقیه در اصطلاح شرع، عبارت است از صیانت خویش از صدمه دیگری با ابراز هم‌سویی با گفتار یا رفتار مخالف حق؛ و به تعبیری دیگر: پنهان کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن در برابر مخالفان به منظور تحفظ از زیان دینی و دنیایی. در تقیه برخلاف نفاق که موضوع آن پنهان کردن شرک و باطل و تظاهر به حق است، مؤمن به دلیل بیم

فضاهای باز سیاسی آینده جوانه زند. در دوران تقیه، مؤمنان در میان جامعه زندگی خواهند کرد ولی، تا آنجا که اصل دین در خطر قرار نگیرد، از اظهار مخالفت با شعارهای اصلی جامعه متوقف‌فیه خودداری و حتی برخی شعائر و مناسک ایمانی را نیز در برابر چشم و گوش عموم آشکار نمی‌نمایند (قصیر العاملی، ۱۴۱۴، ص ۱۴-۱۹).

از مواردی که در قرآن ذیل مضمون تقیه قابل دسته‌بندی است، آیات ۲۶ تا ۴۶ سوره مؤمن (غافر) است که مفصلاً به ابعاد قضیه می‌پردازد.^۱ «حزقیل» که در این آیات به‌عنوان «مؤمن آل فرعون» لقب گرفته و به افتخار او کل سوره به نام «مؤمن» موسوم شده است، از نزدیکان و همکاران فرعون بود ولی در دل به حضرت موسی (ع) و خدای او ایمان داشت. حزقیل ایمان خود را به دلایل فوق، مکتوم می‌داشت ولی آن‌گاه که حکم اعدام پیامبر خدا صادر شد، از پوسته خارج و جانانه از موسی (ع) و دینی که آورده بود دفاع کرد. گرچه این شکستن تقیه، او را از همه حقوق و مزایای منحصربه‌فردش محروم ساخت و سرانجام به وضع فجیعی به شهادت رساند، ولی باعث شد که رکن دین که حضرت موسی (ع) بود زنده بماند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۴-۲۳۵، ۲۶۷-۲۷۰). آنچه در اینجا مورد استشهد است آن است که این مؤمن در شرایط پلیسی و اختناق فرعون، تا آنجا ایمان خود را پنهان داشته بود که تا مقام خزانه‌داری که فرعون معتمدترین افرادش را بر آن می‌گماشت، ارتقا یافته بود. او با این سیاست امکان می‌یافت در جلسات محرمانه فرعون شرکت کند. تا آن‌که با عوض شدن شرایط، در حالی که هیچ‌کس به این مطلب آگاه نبود خود به‌ناچار پرده از ایمانش برداشت. این الگو در قرآن نه‌تنها مردود اعلام نشده است، بلکه از افرادی که مرزهای آن را شناخته و رعایت نمایند، تجلیل شده است.

سوره یس نمونه‌ای دیگر از این مؤمنان را یاد می‌نماید و جملاتی که پس از شکنجه‌های منجر به قتل او بر زبان آمده را گویای مقام منبع شهادت و کرامتش اعلام می‌فرماید (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۱۷، ص ۷۹-۸۰):

از رسیدن ضرر، از اظهار حقیقت خودداری می‌کند. تقیه در حقیقت از یک سو سپر دفاعی برای مؤمن جهت مصون ماندن از تعرض دشمن و تحفظ از خطرهایی همچون حبس، تبعید، قتل و محرومیت از حقوق قانونی است و از سوی دیگر، عامل حفظ وحدت و مانع پراکندگی مؤمنان است» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۵۸۴).
 ۱. موارد دیگر یادکرد تقیه در قرآن، آیات ۱۰۶ سوره نحل، ۲۸ سوره آل عمران، و ۲۰ تا ۲۸ سوره یس است.

[سرانجام او را شهید کردند و] به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می دانستند که پروردگار مرا آرمزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است».^۱

۵-۲-۵. هجرت

در شرایط پیش گفته اگر اقلیت مورد نظر سرزمینی را می شناسد که در آن بتواند عقیده خود را حفظ کرده و آزادانه به انجام وظایف دینی بپردازد، و از فشارهایی مانند آنچه در جامعه فعلی خود، مواجه است، نجات یابد، قرآن دستور می دهد تعلقات عاطفی و مادی را قطع کند و به سوی آن سرزمین کوچ نماید. این نقل و انتقال که در قرآن کریم «هجرت» نامیده شده است، در صدر اسلام یک بار مبدأ تاریخ و تمدن اسلامی شد و برای همیشه یک الگوی مقدس باقی ماند:

کسی که در راه خدا از وطن خویش هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است.^۲

هجرت گرچه داوطلبانه صورت می گیرد ولی از آنجا که معمولاً کندن تعلقات عاطفی و مادی انسان از زادگاه و وطن خود، تلخ و سخت است، نوعی اخراج مظلومانه نیز محسوب می گردد. مخصوصاً اگر با آزار و اذیت و یا درگیری هایی در بین راه توأم شود، در نزد خداوند از پاداش و حمایتی مضاعف برخوردار است:

کسانی که در راه خدا هجرت کرده و به خاطر ایمانشان از دیار خود بیرون رانده شده و در راه من آزار دیدند، و کسانی که جنگیدند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می بخشم؛ و آن ها را به بوستان هایی پوشیده از درختان که از زیر آن ها نهرها روان است، وارد می کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است.^۳

اقلیت های مورد اشاره، اگر به وظایف هجرتی خود عمل ننموده و در نتیجه در

۱. ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (یس، ۲۶-۲۷)

۲. ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاضاً كَثِيراً وَ سَعَةً وَ مَنْ يُخْرَجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِراً إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً﴾ (النساء، ۱۰۰)

۳. ﴿... فَأَلْدِنَ هَاجِرُوا وَ أخرجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوْتُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَاباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾ (آل عمران، ۱۹۵)

فرهنگ گمراهی جامعه متوقف‌فیه استحاله کردند، مستضعف^۱ بودن آنان عذری در نزد خداوند محسوب نشده و همچون بقیه اعضا آن جامعه مُعاقب خواهند بود: قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگان آنان را قبض روح می‌کنند، به آنان می‌گویند: «از نظر دین‌داری و زندگی در چه حالی بودید؟ چرا با اینکه مسلمان بودید، در صفِ کفار جای دارید؟! می‌گویند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم». فرشتگان می‌گویند: «آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟! آن‌ها (عذری ندارند، و) جایگاهشان دوزخ است، و سرانجام بدی دارند.^۲

البته دیگر مسلمانان هم وظیفه‌ای در حمایت از این مستضعفان در بند به‌عهده دارند: شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعفی که ستمکاران همهٔ مقدرات آنان را به‌دست گرفته‌اند، نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده.^۳ در عین حال، ناگزیر تحقق‌پذیری این وظیفه مقید و محدود به مصالح کلی جامعهٔ مسلمانان خواهد بود و چنانچه مصلحت بالاتری ایجاب نماید، ممکن است این حمایت از عهدهٔ عموم مسلمانان ساقط شود:

کسانی که ایمان آورده ولی هجرت نکرده‌اند، از ولایت آنان چیزی بر شما مقرر نیست، تا آن زمان که هجرت کنند. هرچند اگر از شما در امر دین کمک خواستند، بر شما است که آنان را یاری کنید، مگر اینکه بر ضد قومی باشد که میان شما و آنان پیمانی

۱. مستضعف در فرهنگ قرآن به قشر ضعیفی از جامعه اطلاق شده است که از حقوق اساسی خود محروم شده‌اند؛ شهروند درجه دوم.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَابِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا قَالُوا لَكَ مَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (نساء، ۹۷)

۳. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء، ۷۵)

[مبنی بر عدم تعرض] منعقد شده است.^۱

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی کشف نظر قرآن پیرامون آن است که اقلیت مسلمانی که در یک جامعه بزرگ تر ولی با عقایدی متفاوت زندگی می کند، می باید چه راهبردهایی برای زیست اجتماعی خود در پیش گیرد. این موضوع در ابعاد وسیع کنونی از مسائل نوپدید انسان معاصر است و یافتن «رهیافت های قرآنی» درباره آن از طرق سنتی میسر نیست، چه آن که در زمان نزول به شکل فعلی مطرح نبوده و به طور مستقیم به آن پرداخته نشده است.

شهید آیت الله سید محمدباقر صدر برای پاسخ این گونه مسائل طرح تحقیق تفسیر موضوعی (استنتاج) را ابداع و محققان بعدی روش صورت بندی دقیق آن را تدوین نموده اند. بنابر این طرح و با بهره گیری از روش تحلیل قالب و تحلیل مضمون، الگوهای تکرارشونده مرتبط، از قرآن استخراج و تلاش شد با عرضه موضوع، نظریه قرآنی در این رابطه به دست آید. به این ترتیب، تعداد ۱۱۷ آیه حاوی مضامین مرتبط با بحث تشخیص داده شد و کدگذاری گردید و با جمع بندی مضامین کدگذاری شده سامانه ای برای استخراج رهیافت قرآنی زیست اجتماعی اقلیت مورد بحث و راه حفظ هویت ایمانی آنان حاصل آمد.

بر مبنای این رهیافت، طرح قرآن در قالب ۹ گام و در ۲ مرحله (مندرج در شکل ۲) مسلمانان متفرق و بی نشانی که در میان جوامع بزرگ پراکنده اند، را جهت دهی نموده و به عضوی از جامعه خود تبدیل می سازد که هریک به سهم خود نقش و کنش ایمانی مناسب به عهده خواهند گرفت.

در حرکت نخست که با هدف بازیابی هویت دینی صورت می گیرد، مسلمانان به شخصیت و روحیات ایمان قلبی و فطری خود بازگشته و طی زندگی روزمره راه هایی را برای ارتباط با هم کیشان خود گشوده و تدریجاً شبکه ای اجتماعی از خود تشکیل و سپس با تحکیم هم بستگی رفته رفته به یک هویت اجتماعی شناخته شده دست می یابند.

۱. «... وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّنْ وَلَايَتِهِم مِّنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِثْقَلُ ...» (انفال، ۷۲)

در حرکت دوم که به هدف اکتساب نقش بایسته جامعه ایمانی دنبال می‌شود، مسلمانان که اینک ذیل هویتی شناسنامه‌دار سامان یافته‌اند، به تعامل بیرونی پرداخته و بسته به جهان اجتماعی خود، تلاش می‌کنند با گردآمدن در اطراف آن حقوق اساسی خود را احراز نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آتویت، ویلیام؛ باتامور، تام (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، (ترجمه حسن چاوشیان). بی‌جا: نشر نی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). من لایحضره الفقیه، (ترجمه علی اکبر غفاری). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. بهمنی، سعید. (۱۳۹۹). خوانش انتقادی استنطاق و کاربرد آن در نظریه شهید صدر پیرامون سنت‌های تاریخ در قرآن. پژوهش‌های قرآنی، ۲۵(۲)، ۲۹-۴۸.
۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن علی. (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن. بی‌جا: دار القلم.
۷. رضایی قادی، خدیجه. (۱۳۹۸). هویت اجتماعی: بازخوانی مفهوم هویت در رویکردهای نظری. رشد آموزشی علوم اجتماعی، ۲۲(۱)، ۱۲-۱۵.
۸. ساداتی نژاد، سید محمد؛ کولیوند، یونس؛ کلاتری دهقی، پویا. (۱۳۹۶). بررسی معیارهای تعیین دارالاسلام، دارالکفر و دارالحرب و انطباق آن با شرایط فعلی نظام بین‌الملل. فصل‌نامه سیاست خارجی، ۳۱(۱)، ۱۱۳-۱۴۰.
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۷۸). رمضان در تاریخ. قم: انتشارات حضرت معصومه (س).
۱۰. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۳۴ ق). المدرسة القرآنية. دار الكتاب الإسلامية.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۱ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، (ج ۲). مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۴). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. انتشارات اسوه.
۱۳. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
۱۴. عاملی، سید جعفر مرتضی علی. (۱۴۱۵ ق). الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص). دار الهدی.
۱۵. غراب، کمال الدین. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مباحثه پیامبر (ص) با مسیحیان نجران. انتشارات بصیرت.

۱۶. قربانخانی، امید. (۱۴۰۱). واکاوی مؤلفه‌های مفهومی «استنطاق قرآن» در روش تفسیری شهید صدر. پژوهش‌های قرآنی، ۲۷(۱)، ۲۳-۴۲.
۱۷. قصیر العاملی، مصطفی. (۱۴۱۴ ق). التقیة عند اهل البيت (ع). مجمع جهانی اهل بیت (ع).
۱۸. کوئن، بروس. (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه: غلام عباس توسلی و رضا فاضل. انتشارات سمت.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۱). دانشنامه قرآن و حدیث. ترجمه: حمیدرضا شیخی. دار الحدیث.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۸). تفسیر نمونه (ج. ۵). دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). قصه‌های قرآن. تدوین: سید حسین حسینی. دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مک‌اولیف، جین دمن. (۱۳۹۲). دائرة المعارف قرآن. انتشارات حکمت.
۲۳. واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ ق). المغازی. مؤسسة الأعلمی.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن. بوستان کتاب.
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۸۸). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) (ج ۲). مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
26. Berray, Mohamed. (2019). A critical literary review of the melting pot and salad bowl assimilation and integration theories. *Journal of Ethnic and Cultural Studies*, 6(1), 142–151.